

دید نظر طلبی؟

بویه دنبال تجدید نظر طلبی در خاور میانه است

نظامی کیفی خود برای دستیابی به «پیروزی کامل» بر آنها استفاده می کند، پیش از این، یک درگیری چندجبهه‌ای نامحدود بدترین کابوس اسرائیل بود. با این حال، پس از ۷ اکتبر، اسرائیل «جنگی ابدی» را در هر یک از مرزهای خود و فرائز از آن به مدت طولانی آغاز کرده است.

تا جایی که اسرائیل اکنون یک هدف نهایی در ذهن دارد و آن هدف بسیار جاه طلبانه‌تر و دگرگون کننده‌تر است. نتانیاهو شاید چشم‌انداز «روز بعد» خود برای غزه را مبهم بیان کرده باشد، اما چشم‌انداز خود برای «خاور میانه جدید» را به روشنی بیان کرده است. او معتقد است که فلج کردن محور مقاومت، امکان ظهور صلح از خاکستر نظم قدیمی را فراهم می کند. او ادعا کرده است که کشورهای عربی «میان‌رو» زمانی که «دیگر از خرابکارانی مانند ایران نترسند، آزاد خواهند بود تا روابط خود را با اسرائیل عادی سازی کنند». هدف در اینجا هنوز هم برای اسرائیل این است که کیک خود را داشته باشد و آن را نیز بخورد و آن چیزی نیست جز کنترل نامحدود یا حتی الحاق بخش هایی از غزه و کرانه باختری و در عین حال برقراری صلح با همسایگان خود. اما دیدگاه نتانیاهو



قدیمی خواهد بود

اما هیچ چیزی عوض نشده است

اهرم قابل توجه خود برای فشار آوردن به اسرائیل جهت توقف این جنگ بیهوده و پایان دادن به تلاش هایش برای ایجاد «اسرائیل بزرگ‌تر» با احتساب کرانه باختری استفاده کند.

همه اینها را کنار هم بگذارد، می توان فهمید که چرا برخی معتقدند که ما شاهد یک تغییر اساسی بالقوه در منطقه هستیم. من شک ندارم که برخی عناصر مهم تغییر کرده‌اند، اما ایجاد یک «خاور میانه جدید» به این سرعت ممکن نخواهد بود.

اول از همه، خاور میانه همچنان یک محیط آنارشیک و چندقطبی است و هیچ قدرت مسلط یا هژمونیک وجود ندارد که بتواند نظم را بر این منطقه تحمیل کند. دولت بوش سعی کرد منطقه را در طول «دوران کوتاه تک‌قطبی» آمریکا تغییر دهد و به طرز فجیعی شکست خورد. نتانیاهو و دیگر تندروهای اسرائیلی ممکن است امیدوار باشند که پیروزی های اخیرشان جایگاه آنها را به عنوان قدرت هژمونیک منطقه تثبیت کند، اما اسرائیلی که تقریباً ۵/۷ میلیون یهودی (به همراه حدود ۲ میلیون عرب اسرائیلی) بر آن حکومت می کنند و همچنان به شدت به حمایت سخاوتمندانه آمریکا وابسته است، نمی تواند سلطه پایدار بر صدها میلیون مسلمان عرب و ایرانی برقرار کند. تکرار می کنم: نه حماس، نه حزب الله، نه حوثی ها و نه ایران ناپدید نشده‌اند و همگی همچنان سرسخت باقی مانده‌اند. آن کشورهای با نفوذ فرآینده در خلیج فارس یا شبه جزیره عربستان نیز از آنچه اسرائیل اخیراً انجام داده راضی نیستند، زیرا آنها پیش از هر چیز به دنبال ثبات هستند و این قطعاً چیزی نیست که اسرائیل ارائه داده است.

این بدان معناست که خاور میانه منطقه‌ای باقی خواهد ماند که در آن کشورهای مختلف برای کسب قدرت، امنیت و نفوذ بیشتر با هم رقابت می کنند. ایران هنوز هم خواهان رسیدن به توانایی بر خودداری از سلاح‌های هسته‌ای برای ایجاد تعادل

در باره چگونگی رسیدن به این هدف تغییر کرده است. اکنون، مسیر فرضی نتانیاهو برای صلح از طریق ایجاد هرج و مرج منطقه‌ای است. اما وقایع اخیر در سوریه نشان می دهد که چرا این دیدگاه غیرواقعی است. به محض سقوط اسد در سوریه در دسامبر گذشته، اسرائیل تعداد بی‌سابقه‌ای حمله علیه تجهیزات نظامی سوریه و تأسیسات رژیم سابق انجام داد، در حالی که نیروهای زمینی اسرائیل حدود ۷۷ مایل مربع از خاک سوریه را اشغال کردند. در نتیجه، حامیان خارجی سوریه -به‌ویژه ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس - در چندین کانال مخفی برای کاهش تنش مشارکت کردند. این امر به مذاکرات مستقیم اسرائیل و سوریه با حضور متحدان کلیدی نتانیاهو، مانند تراچی هانگی، رئیس شورای امنیت ملی اسرائیل، و ران درمر، وزیر امور استراتژیک اسرائیل، منجر شد.

این پیشرفت دیپلماتیک با حملات اسرائیل به ایران و آتش‌پس متعاقب آن همراه بود. همزمان با پرواز نتانیاهو به واشنگتن، ناظران گمان می کردند که او و ترامپ از رویارویی اخیر به عنوان انگیزه‌ای برای پایان دادن به چرخه مرگبار درگیری که منطقه را فرا گرفته است، استفاده خواهند کرد. به نظر می‌رسید نتانیاهو آماده است تا از مرحله اول استراتژی بزرگ جدید اسرائیل، یعنی درگیری و هرج و مرج، به مرحله دوم - عادی سازی - منتقل شود. سوریه و احتمالاً لبنان قرار بود اولین نامزدها باشند. اما در واقع قرار نبود این اتفاق بیفتد. جلسه بسیار جنجالی ترامپ و نتانیاهو بدون توافق پایان یافت. اندکی پس از آن، همزمان با بی‌ثباتی ای که استان سویدا سوریه را فرا گرفت، اسرائیل حملاتی را انجام داد که منجر به کشته شدن نیروهای امنیتی سوری، بیشتر از هر زمان دیگری شد و دولت جدید سوریه را با حملات خود به پایتخت تحقیر کرد.

بر خلاف امیدهای نتانیاهو، اینها دقیقاً همان نوع اقداماتی هستند که احتمال عادی سازی را کمتر می کنند. این اقدامات خشم مردم عرب - که از قبل با عادی سازی مخالف بودند - را تشدید کرده است، به این معنی که رهبران عرب اکنون در آنچه می‌توانند ارائه دهند، محدودتر هستند. علاوه بر این، اکنون واگرایی استراتژیک فزاینده‌ای با کشورهای عربی طرفدار غرب وجود دارد و همچنان قدرت‌ها طرفدار وضع موجود هستند و می خواهند جنگ‌های منطقه‌ای پایان یابد. از نظر رهبران عرب، عادی سازی اکنون ریسک بالاتر و سود استراتژیک کمتری به همراه دارد. دولت ترامپ نیز به نوبه خود بارها

نشان داده است که اساساً تغییر استراتژیک بزرگ اسرائیل را اشتباه درک می کند. مقامات ناامید آمریکایی اخیراً نتانیاهو را «دیوانه‌ای» خوانده‌اند که «همیشه همه چیز را بمباران می کند». اما دیوانگی او روشنند است. نتانیاهویی از بزرگترین ترازدی‌های تاریخ اسرائیل - حملات ۷ اکتبر حماس - را به یک رویداد دگرگون کننده تبدیل کرده است و همین رویکرد به اسرائیل اجازه داده تا از طریق یک استراتژی بزرگ تجدیدنظر طلبانه، هژمونی منطقه‌ای را دنبال کند. به همین دلیل است که دولت ترامپ در تلاش‌های خود برای پایان دادن به جنگ غزه، ایجاد یک توافق موقت بین اسرائیل و ترکیه و برقراری صلح بین اسرائیل و سوریه شکست خورده است. تغییر استراتژیک، دشوار و نا در است. چیزی به اندازه حملات تکان دهنده و غیرمنتظره حماس در ۷ اکتبر لازم بود تا به وابستگی اسرائیل به رویکرد وضع موجود پایان دهد. ترامپ باید چیزی به همان اندازه چشمگیر ارائه می داد. هر آنچه که او به نتانیاهو ارائه داد، به اندازه کافی جذاب نبود تا اسرائیل را از تجدیدنظر طلبی دور کند. اسرائیل همچنان تمایلی به تبدیل شدن پیروزی های تاکتیکی خود بر ایران، حزب الله و حماس به موفقیت‌های سیاسی بلندمدت ندارد. بدتر از آن، وسوسه‌های استقرار نیرو به روش‌های جدید و به ظاهر دگرگون کننده، در حال افزایش است. وزرای اسرائیلی آشکارا خواستار نابودی کامل غزه و گرسنگی دادن به ساکنان این منطقه شده‌اند. در جریان درگیری هادر سویدا، یکی از وزرا از اسرائیل خواست که احمدالشرع، رئیس جمهور سوریه را «از بین ببرد». مضحکتر از همه، اسرائیل هیوم، روزنامه‌ای که اغلب به عنوان «سخنگوی» نتانیاهو شناخته می‌شود، اخیراً سرمقاله‌ای منتشر کرد که در آن از اسرائیل خواسته شده بود قبرس شمالی را از کنترل ترکیه «آزاد» کند. اگر اسرائیل به این مسیر ادامه دهد، «خاور میانه جدید» نتانیاهو احتمالاً همچنان شبیه خاور میانه قدیمی خواهد بود: بدون آتش‌پس در غزه و بدون عادی سازی روابط اسرائیل با همسایگان عرب. استراتژی کلان تجدیدنظر طلبانه اسرائیل همچنان کشورهای منطقه را که از گسترش هرج و مرج می‌ترسند، از خود بیگانه می کند و موفقیت بلندمدت را حتی از دسترس دورتر می کند. خود ترامپ نیز علیه استراتژی کلان ایالات متحده که بر «جنگ‌های ابدی» برای نظم‌دهی مجدد مناطق و جوامع از طریق نیروی نظامی متکی است، موضع گرفته است. ناتوانی ترامپ در مهار نتانیاهو به این معنی است که او اکنون دقیقاً همین نوع ماجراجویی آرمان شهری را تقویت می کند.



چیز دیگری که تغییر نکرده این است: ما به یک راه حل سیاسی برای مسئله فلسطین نزدیک نشده‌ایم و به احتمال زیاد از آن دورتر هم شده‌ایم. حتی با در نظر گرفتن بیش از ۶۰ هزار فلسطینی که از اکتبر ۲۰۲۳ در غزه و کرانه باختری کشته شده‌اند، هنوز هم تقریباً تعداد مشابهی از اعراب فلسطینی و یهودیان اسرائیلی در سرزمین‌هایی که اسرائیل کنترل می کند، زندگی می کنند. اکثر این فلسطینی ها هیچ حقوق سیاسی، اختیار عمل و هیچ چشم انداز واقعی پنهانی برای داشتن یک کشور مستقل ندارند. تا زمانی که این وضعیت تغییر نکند، برخی از آنها همچنان به بهترین شکل ممکن در برابر اربابان اسرائیلی خود مقاومت خواهند کرد، همانطور که صهیونیست‌ها علیه بریتانیایی‌ها عمل کردند و همانطور که یهودیان اسرائیلی امروز در صورت معکوس شدن وضعیت، عمل خواهند کرد. اگر براساس احتمالاتی که وجود خارجی دارند، راه حل دوکشوری دیگر عملی نباشد، آنگاه اسرائیلی‌ها، فلسطینی‌ها و بقیه جهان باید دیدگاه‌های دیگری را بررسی کنند.

تکنه اصلی این است که خاور میانه همچنان منطقه‌ای با اختلافات سیاسی عمیق است؛ منطقه‌ای که قدرتمندترین بازیگران بر دیگران تسلط دارند و حقوق، عاملیت و به رسمیت شناختن آنها را انکار می کنند. می توان این را در تلاش‌های مکرر برای به حاشیه راندن ایران از طریق تحریم‌ها، عدم به رسمیت شناختن، حذف ایران از تلاش‌های دیپلماتیک منطقه‌ای و اخیراً حملات هوایی به تهران مشاهده کرد. می توان این روند را در کارزار طولانی برای انکار حق فلسطینی‌ها از داشتن کشوری برای خودشان یا حتی اصرار بر اینکه «چیزی به عنوان ملت فلسطین وجود ندارد»، مشاهده کرد و می توان این روند را در خود جهان عرب مشاهده کرد؛ جایی که پادشاهان و دیکتاتورهای نظامی، در خواست‌ها برای آزادی بیشتر و حقوق سیاسی را سرکوب می کنند. شرایطی از این دست، ناگزیر باعث ایجاد واکنش‌های منفی می شود که به نوبه خود منجر به اقدامات سرکوبگرانه فرآینده و خشن می شود و این به معنای بی‌ثباتی مداوم است. این یعنی یک چرخه تکرار مداوم. یک نظم منطقه‌ای پایدار مستلزم تعادل بیشتری بین قدرت و مشروعیت است و مشروعیت در نهایت مستلزم ارائه کردن میزانی از عدالت، انصاف و تأمین حقوق سیاسی است. تا زمانی که این ویژگی‌ها به همین شکل باقی بمانند، خاور میانه «جدید» بسیار شبیه خاور میانه قدیمی خواهد بود. این را کاملاً در ذهن داشته باشید و اگر اینطور شود دیگر هرگز فریب نخواهید خورد.

ترجمه: آریا صدیقی

سیاستمداران



دستور به تلافی علیه تعرفه‌ها

دولت برزیل از مجوز رئیس جمهور این کشور به شروع فرآیند رسمی تلافی کردن تعرفه‌های تجاری ۵۰ درصدی اعمال شده از سوی ترامپ خبر داد. «جراالدو آلکمین» معاون رئیس جمهور برزیل اعلام کرد «لوییز ایناسیو لولا داسیلوا»، رئیس جمهور برزیل دستور به شروع روند رایزنی‌های رسمی به منظور اجرای قانون مقابله به مثل اقتصادی علیه ایالات متحده بعد از آنکه دولت «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا تعرفه‌های تجاری ۵۰ درصدی را بر کالاهای صادراتی برزیل اعمال کرد، داد. به گزارش شبکه «بلومبرگ» یک منبع مطلع تصریح کرد این تصمیم قرار است در اعلامیه‌ای رسمی امروز جمعه به اطلاع دولت ایالات متحده رسانده شود. این منبع مطلع تصریح کرد روز چهارشنبه در نشست‌ی با حضور لولا داسیلوا و وزیران کابینه دولتش، این طرح به عنوان یک اقدام اولیه که به منظور تشویق به مذاکرات پیش از تشدید یک جنگ تجاری طراحی شده مورد بحث قرار گرفت. آلکمین بیان کرد: «امیدوارم این تصمیم به تسریع گفت‌وگو و مذاکرات کمک کند،»



روابط راهبردی با روسیه

معاون وزیر امور خارجه چین تاکید کرد پکن و مسکو باثبات‌ترین روابط راهبردی را با یکدیگر برقرار کرده و حتی بیش از پیش به پیشرفت تمام بشریت کمک خواهند کرد. «ما ژائوشو»، معاون وزیر امور خارجه چین روز جمعه و در یک کنفرانس مطبوعاتی تصریح کرد: «روابط چین و روسیه در دنیای در حال تغییر و پرتلاطم امروزی به منزله باثبات‌ترین و بالغ‌ترین روابط و دارای بیشتری میزان اهمیت راهبردی بوده و این دو ابر قدرت این شکل از روابط را حفظ کرده‌اند.» طبق گزارش ریانووستی، او اضافه کرد: «چین و روسیه همچنان به دیدگاه تاریخی صحیح درباره جنگ جهانی دوم پایبند خواهند ماند، از دستاوردهای پیروزی در این جنگ محافظت و از شراکت راهبردی جامع خود در دوران جدید محافظت و بیش از پیش به پیشرفت بشریت کمک خواهند کرد.» ژائوشو افزود: «۸۰ سال پیش مردمان چین و روسیه اثری عظیم را به جهت مصلحت پیروزی در جنگ جهانی علیه فاشیسم انجام داده و یک مشارکت تاریخی چشمگیر را در به وجود آمدن نظم بین المللی پس از جنگ صورت دادند.»



نامزدی گروسی

«رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی رسماً اعلام کرد قصد دارد برای دبیرکل سازمان ملل متحد نامزد شود. به نوشته نشریه «بونوس آیرس تایمز» گروسی ۶۴ ساله در یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر واشنگتن گفت: «من برای دبیرکل سازمان ملل متحد نامزد خواهم شد.» این موضع در حالی به طور رسمی از سوی رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام شد که از مدتی پیش گمانه‌زنی‌ها درباره اینکه او قصد این نامزدی را دارد مطرح شده بود. او که یک دیپلمات با تجربه از ژانینی است در ماه آوریل گذشته نیز در جریان سفری به بونئوس آیرس از این ایده استقبال کرد اما گفته بود که در آن زمان تصمیم نهایی را درباره آن نمی گیرد. او در صورتی که در این نامزدی موفق شود، تبدیل به دومین دبیرکل سازمان ملل از قاره آمریکای لاتین بعد از «خاویر پرز دکونیار» خواهد بود. سمت دبیرکل سازمان ملل در ژانویه ۲۰۲۷ با پایان یافتن دوره «آنتونیو گوتشرش» پرتغالی در این سمت خالی می شود.